

## اسرائیل و کشتار در غزه

لاری اورست

جمعه ۱۳ دی ۱۳۸۷

از ظهر شنبه ۲۷ دسامبر، موجی از جنگنده های هوایی که آمریکا در اختیار دولت اسرائیل گذاشته ناگهان در آسمان غزه ظاهر شدند و بر روی فلسطینیان ساکن این منطقه بمب و موشک باریدند. این حملات همچنان ادامه دارد. این اقدام بدون شک با تایید دولت آمریکا انجام می گیرد. اسرائیل چماق آمریکا در خاورمیانه است. طی روز اول حمله، جنگنده های اف - ۱۶ و بالگردهای آپاچی بیش از ۲۱۰ هدف را در شهرهای مهم منطقه شامل غزه، خان یونس و رفح کوبیدند. اسرائیل تهدید می کند که «این جنگ را تا ته خط ادامه خواهد داد.» پاسگاه های پلیس فلسطینی، ادارات دولتی، دانشگاه اسلامی و بسیاری از اماکن دیگر مورد اصابت موشک و بمب قرار گرفته اند. فقط در همان روز اول، بیش از ۳۰۰ نفر کشته شدند که بسیاری از آنان، مردم غیر نظامی بودند. شمار زخمیان روز اول حمله، ۷۰۰ نفر تخمین زده شد. طی چند دهه اخیر، این تعداد کشته طی یک روز در جانب مردم فلسطین، بیسابقه است.

شاهدان عینی از صحنه های رعب انگیز حملات هوایی و از مشاهده قتل عام دهشتناک عزیزانشان می گویند. آژانس خبری «آسوشیتد پرس» از قول گروه های مدافع حقوق بشر در فلسطین گزارش می دهد که بیست تن از کشته شدگان، کودکان زیر ۱۶ سال و ۹ تن نیز زن بودند. «مرکز فلسطینی حقوق بشر گفت که نمی توان آمار دقیقی داد، چرا که هرج و مرج بر بیمارستان ها حاکم است و شناسایی اجساد متلاشی شده نیز کار دشواری است.» به گزارش سازمان ملل، هفت دانش آموز نوجوان که در هنرستان حرفه ای وابسته به سازمان ملل درس می خواندند، در حالی که برای بازگشت به خانه منتظر اتوبوس بودند در مقابل این محل کشته شدند.

یکی از فلسطینیان صحنه نزدیک مقرهای امنیتی غزه را به هنگام شروع حملات هوایی چنین توصیف می کند: «مردم مثل هر روز عادی دیگر در حال قدم زدن در خیابان بودند. کودکان در حال بازگشت از مدرسه بودند. ناگهان، بدون هیچ اختاری، بمباران آغاز شد. ما حتی جت ها در آسمان ندیدیم. به همین خاطر تعداد زیادی از مردم کشته شدند... ناگهان مردم شروع به دویدن کردند. مردم را می دیدی که به سوی آمبولانس ها می دوند. پلیس ها را می دیدی که به این طرف و آن طرف می دوند. همه گریه می کردند. بعضی ها را دیدم که فقط یک گوشه کنار دیوار نشسته بودند و هیچ کاری نمی کردند.»

حتی «نیویورک تایمز» که یک روزنامه امپریالیستی و هواخواه اسرائیل است به این نکته اذعان کرد که: «آنچه کیفیت تکان دهنده ای به این حملات می بخشد اینست که درست وسط روز آغاز شد. یعنی زمانی که دانشجویان پلیس در حال سر دوشی گرفتن بودند، زنان در بازار محل خرید می کردند و کودکان از مدرسه به خانه باز می گشتند.» این روزنامه گزارش داد که: «مرکز شهر غزه به صحنه وحشت و هرج و مرج تبدیل شده بود. همه جا ویران بود. آژیرها جیغ می زدند. زنان بر سر ده ها جسد تکه تکه در پیاده رو یا در راهرو بیمارستان «شفا» زاری می کردند.

افراد خانواده های قربانیان برای شناسایی آنان در بیمارستان جمع شده بودند. کشته ها شامل افراد غیر نظامی، تعدادی کارگر ساختمانی و حداقل دو کودک بودند که یونیفورم مدرسه به تن داشتند. همان بعد از ظهر، مغازه ها تعطیل کردند و مراسم سوگواری آغاز شد. در همه خیابان های مهم این شهر پر جمعیت خیمه های عزاداری به چشم می خورد.»

شبکه تلویزیونی الجزیره در روز ۲۸ دسامبر گزارش داد که: «اینجا رنج را در دو چهره می بینیم. آن دسته از مردم عادی فلسطینی که آماج این حملات نبوده اند و آن گروه که بوده اند. افراد غیر نظامی عادی با تصویری تکان دهنده روبرویند. آنان از فقدان مواد سوختی و کمبود مواد مورد نیاز رنج می برند. قریب به ۷۵۰۰۰۰ نفر که به توزیع مواد خوراکی توسط آژانس های کمک رسانی وابسته اند موفق به دریافت مواد مورد نیاز خود نشده اند. چرا که وضعیت محاصره، اجازه ادامه فعالیت به این آژانس ها را نمی دهد. برای کسانی که قربانی مستقیم بمباران شبانه روزی هستند، تصویر از این هم تکان دهنده تر است. آنان نیاز به مراقبت ویژه درمانی و داروهای دارند که بیمارستان ها و پزشکان و مقامات درمانی به روشنی اعلام می کنند در دسترس ندارند.

گزارش هایی نیز در مورد تیراندازی سربازان مصری به روی فلسطینیانی که قصد فرار از بمباران اسرائیلی ها و عبور از مرز جنوبی غزه به سمت مصر را داشته اند، شنیده می شود. رژیم آمریکایی حسنی مبارک در مورد تحت فشار قرار دادن فلسطینیان ساکن نوار غزه با اسرائیل به توافق رسیده است.

نشانه هایی از وخامت بیشتر این اوضاع دهشتناک طی روزهای آتی به چشم می خورد. بر مبنای گزارش ها، اسرائیل تهاجم زمینی به غزه و به زیر پرچم فراخواندن بیش از ۶۵۰۰ نیروی ذخیره خود را مد نظر قرار داده است. به علاوه گزارش هایی نیز در مورد نفوذ هواپیماهای تجسسی و جنگنده های اسرائیلی به حریم هوایی لبنان به گوش می رسد. این شاید تدارکی برای حمله به این کشور باشد. همه اینها می تواند زمینه ساز یک جنگ بزرگتر در منطقه شود، که این می تواند رنج به مراتب بیشتری را به اهالی منطقه تحمیل کند.

آمریکا و اسرائیل انگشت اتهام را به سوی قربانی دراز می کنند

تا جنایات علیه بشریت را موجه جلوه دهند

مقامات حکومتی اسرائیل و آمریکا و نیز رسانه های آمریکایی ادعا می کنند که حملات موشکی گروه اسلامی حماس (که کنترل غزه را در دست دارد) به سمت اسرائیل، محرک حمله به غزه بوده است. رژیم بوش، حماس را «اوباش» می نامد، این تشکیلات را به خاطر تحریک کردن اسرائیل سرزنش می کند و خواهان خاتمه حملات موشکی از سوی حماس می شود. این در حالی است که به شکلی معنی دار، از فراخواندن اسرائیل به توقف حمله اجتناب می کند.

باراک اوباما طی کارزار انتخاباتی خود، در اشاره به حملات محدود حماس به اسرائیل چنین گفت: «اگر کسی به خانه من، یعنی جایی که دو دخترم شب در خواب هستند موشک بزند، من نیز هر چه در توان دارم برای جلوگیری از این کار انجام خواهم داد.» اوباما در سراسر کارزار انتخابی اش، منجمله طی سخنرانی آشکارا خونخواهانه اش در «کمپته امور عمومی آمریکایی اسرائیلی»، روشن کرد که از چنین سیاست هایی پشتیبانی می کند. این کاملاً محتمل است که اسرائیل زمان شروع این حمله را قبل از شروع رسمی ریاست جمهوری اوباما انتخاب کرده باشد تا به وی

اجازه «حفظ ظاهر» و «جدا از این ماجرا بودن» را بدهد. این در حالی است که اوباما کاملاً در جریان این حمله قرار داشته و حامی آن است. سکوت وی در قبال این کشتار به اندازه کافی گویای این واقعیت است. سرزنش کردن فلسطینیان در مورد کشتار غزه هیچ معنایی جز وارونه کردن کامل واقعیت ندارد. این کار بهانه و توجیهی برای قتل عام است.

حمله کنونی اسرائیل ادامه بیش از ۶۰ سال تلاش های قهرآمیز برای لگد مال کردن مردم فلسطین و در هم شکستن هرگونه مقاومت در برابر طرح های اسرائیلی است. این چیزی است که از همان آغاز تاسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به مثابه یک دولت مستعمراتی اشغالگر و بازوی امپریالیسم غرب در خاورمیانه تا به امروز ادامه داشته است. این کارزار گام به گام پاکسازی قومی با اخراج خونین حدود ۷۵۰۰۰۰ فلسطینی از اراضی شان طی جنگ اعراب و اسرائیل در سال های ۴۸ - ۱۹۴۷، تخریب صدها دهکده تصرف شده فلسطینی، تسخیر نظامی کرانه غربی و نوار غزه در جنگ ۱۹۶۷ و سپس مستعمره سازی غیر قانونی این «سرزمین های اشغالی» آغاز شد و همراه با این اقدامات، هجومی مداوم به اقتصاد و جامعه فلسطینی انجام گرفت. اسرائیل ادعا کرد که هر حمله اش صرفاً پاسخی به «ترور» از جانب فلسطینیان و یا سر باز زدن آنان از صلح با اسرائیل است. این در حالی است که هر حمله اسرائیل در خدمت هدف استراتژیکش یعنی نابودی فلسطین قرار دارد.

طی دوران تاسیس اسرائیل، بیشتر جمعیت ۱/۵ میلیونی فلسطینیان غزه مجبور به ترک خانه های خود و سکونت در بخش های دیگر فلسطین شدند. غزه از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵ تحت اشغال ارتش اسرائیل قرار داشت. اسرائیل بعد از خاتمه اشغال نظامی، کنترل کامل خود را بر مرزهای خشکی، دریایی و هوایی این باریکه بیابانی حفظ کرد. اسرائیل با بولدوزهای حفاظ دار به نابودی باغ های میوه غزه پرداخت، بندر ماهیگیری غزه را مسدود کرد، جلوی ارسال مواد مورد نیاز به کارخانه ها و سایر مراکز کسب و کار این منطقه را گرفت و اکثر اهالی غزه را از حق کار در مناطق دیگر و حتی از حق ترک کردن غزه محروم کرد. امروز غزه یک بحران انسانی به حساب می آید. اهالی غزه در شرایط زندان زندگی می کنند.

حماس که بر غزه حاکم است به دنبال رهایی فلسطین در قالب یک دولت سکولار و آزاد از سلطه امپریالیستی نیست. حماس نماینده نیروهایی است که در پی تجدید ساختار مناسبات ستمگرانه اند. یعنی می خواهند مردم فلسطین را در چارچوب یک حکومت مذهبی اسلامی به بند کشند.

حماس بارها پیشنهاد آتش بس درازمدت را داده، اسرائیل را برای برچیدن محاصره غزه به مذاکره برای آتش بس دائمی دعوت کرده است. در ماه ژوئن ۲۰۰۸ سرانجام در زمینه آتش بس توافقی حاصل شد. بر مبنای این توافق، حماس قبول کرد که از حملات موشکی دست بکشد و اسرائیل نیز ظاهراً به خاتمه محاصره غزه رضایت داد. به نوشته روزنامه «نیویورک تایمز»، حماس در توقف شلیک موشک های «قسام» که بخشی از آن توسط سایر گروه های فلسطینی انجام می شد «به میزان زیادی موفق عمل کرد.» اما اسرائیل از محاصره غزه دست بر نداشت. سپس در چهارم نوامبر، اسرائیل دست به حمله زد که به کشته شدن شش فلسطینی انجامید. روز بعد، اسرائیل همه مرزهای غزه را بست و وضعیت دهشتناکی که بر مردم حاکم بود را تشدید کرد.

محاصره غزه توسط اسرائیل، این منطقه را به بزرگترین اسارتگاه جمعی (غیر سرپوشیده) دنیا تبدیل کرده است.

اهالی فقر زده غزه، گرسنگی می کشند و رنجی غیر قابل توصیف را تحمل می کنند. هشتاد در صد مردم زیر خط فقر به سر می برند. حدود ۷۹٪ کارخانه ها و کارگاه ها قادر به فعالیت نیستند. شهرک صنعتی غزه کاملاً تعطیل شده است. نرخ بیکاری حدوداً ۵۰٪ است. در سال ۲۰۰۶ اسرائیل تنها نیروگاه برق غزه را بمباران کرد و با این کار، غزه برای تامین برق به اسرائیل و مصر وابسته شد. زمانی رسید که برای چند روز مردم از دسترسی به آب آشامیدنی تازه محروم شدند. نامنظم شدن جریان برق به این معناست که مراکز تصفیه فاضلاب قادر به کار نیستند و فضولات روانه دریای مدیترانه می شوند. تامین دارو با محدودیت بسیار صورت می گیرد و اعمال ممنوعیت سفر اهالی غزه از جانب اسرائیل به این معناست که اگر کسانی در این منطقه نیاز به مراقبتهای پزشکی پیشرفته داشته باشند از این امر محروم خواهند بود و باید همانجا بمانند و بمیرند.

وقتی که از همه این واقعیات با خبر باشیم، ادعاهای اسرائیل و آمریکا مبنی بر اینکه تهاجم خونین این روزها «پاسخی» به حملات موشکی محدود و غیر موثر به سمت اسرائیل است را متعفن و نفرت انگیز می یابیم. این ادعاها شبیه به شیوه ای است که آمریکا برای توجیه کشتار بومیان آن کشور به دست مهاجران و ارتش به کار گرفت. بر مبنای روایت رسمی، ماجرا از کندن پوست یک خانواده مهاجر یا یک سرباز به دست یک بومی «شروع» شد؛ و همه کارهای بعدی، «پاسخی» به این اقدام وحشیانه بود! بدین ترتیب، آنچه محرک اقدام بومیان شده بود و همه آن دروغ هایی که برای کشتار بافته شد و همه وحشیگری هایی که بر اهالی بومی روا شد، نادیده گرفته می شود. بدین ترتیب، دستور کار واقعی آمریکا یعنی تسخیر و مستعمره سازی به نیروی زور، پوشانده می شود.

سیاست های طولانی اسرائیل در گرسنگی دادن و نیز بارش مرگ از طریق هوا بر اهالی غزه، به خودی خود حتی نقض قوانین بین المللی محسوب می شود. این اقدامات چیزی جز اعمال «مجازات دستجمعی» علیه کل اهالی غزه نیست. مجازات دستجمعی همه اهالی غزه خلاف معاهده چهارده ژنو است و نقض قوانین بین المللی به حساب می آید. برای مثال در ماده ۵۵ این معاهده آمده است که: «نیروی اشغالگر موظف است به کاملترین شکلی که در توان دارد نیازهای غذایی و درمانی اهالی را تضمین کند. نیروی اشغالگر خصوصاً باید در شرایطی که ذخایر سرزمین اشغالی ناکافی باشد، مواد غذایی و انبارهای دارو و سایر اقلام مورد نیاز را تامین کند.»

همینجا و همین حالا نیاز به ابراز مخالفت توده ای است!

چند دهه است که اسرائیل به مثابه یک «ناو هواپیمابر ثابت» و یک چماق منطقه ای در خاورمیانه به امپریالیسم آمریکا خدمت کرده است. آمریکا سرسخت ترین حامی اسرائیل بوده، سالانه میلیاردها دلار کمک مالی روانه این کشور کرده است. با شروع «جنگ علیه ترور» یا در واقع جنگ به خاطر امپراتوری، رابطه استراتژیک اسرائیل و آمریکا محوری تر از پیش شده است.

بر مبنای گزارش «کارزار برای خاتمه اشغالگری اسرائیل»، آمریکا علاوه بر تامین جنگنده های اف ۱۶ و موشک هایی که در حمله اخیر مورد استفاده اسرائیل قرار گرفته، در فاصله سال های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۱ قطعاً پدکی مورد نیاز برای ناوگان هوایی این کشور را به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیون دلار تامین کرده است. «در ماه ژوئیه ۲۰۰۸ آمریکا ۱۸۶ میلیون گالن JP-8 (سوخت جت) در اختیار اسرائیل گذاشت. سال گذشته، آمریکا یک قرارداد ۱/۳ میلیارد دلاری با شرکت "ری تن" منعقد کرد تا هزاران موشک "تاو"، "هل فایر" و "ویژه تخریب پناهگاه های

زیرزمینی" به اسرائیل بفرستد.» به گفته مقامات آمریکا، این کشور پیشاپیش از نقشه های اسرائیل به خوبی با خبر است و ظاهراً چراغ سبز را برای اجرای نقشه، آمریکا روشن می کند.

خلاصه کنیم. کشتار اسرائیل و جنایات جاری علیه اهالی غزه نمی تواند بدون حمایت آمریکا صورت بگیرد. مسئولیت مخالفت با جنایات حکومت «خودی» بر دوش مردمی است که در آمریکا زندگی می کنند. هم اکنون اعتراضاتی در سراسر خاورمیانه بر پا شده، و اعتراضاتی نیز در آمریکا و اروپا جریان دارد. قرار است که دامنه این اعتراضات گسترده تر شود.

همین حالا و همینجا نیاز به ابراز مخالفت سیاسی گسترده و موثری علیه تهاجمی است که با حمایت آمریکا علیه مردم غزه جریان دارد. سکوت و کوتاه آمدن در مقابل این جنایات به هر شکل، شراکت در جنایت است. دنیا باید ببیند که درون آمریکا، کسانی هستند که حاضر به همراهی با جنایات مورد پشتیبانی حکومتشان نیستند.

نوشته: لاری اورست (برای نشریه «انقلاب» - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۸)

<http://revcom.us/a/151online/gaza-en.html>